

روایت دوازدهم

معماری برای تاب‌آوری؛

تجربه‌ای در تلفیق آموزش تخصصی معماری داخلی با هویت ملی، روحیه مقاومت و مسئولیت اجتماعی

به کوشش: سرکار خانم مبینا هاشمی / هنرآموز رشته: معماری داخلی

هنرستان فنی حرفه ای مائده/ بندرگز/ گلستان

مقدمه

برخی از مهمترین فرصت های تربیتی در کلاس درس، نه از پیش طراحی می‌شوند و نه در کتاب‌های درسی نوشته شده‌اند؛ بلکه از دل رویدادهای واقعی زندگی دانش‌آموزان شکل می‌گیرند. جنگ ۱۲ روزه، و جنگ تحمیلی سوم یکی از همین موقعیت‌ها بود. در بسیاری از برنامه های آموزشی، مفاهیمی مانند هویت ملی، مسئولیت اجتماعی و روحیه مقاومت به صورت مستقیم و در قالب سخنرانی یا توصیه های تربیتی مطرح می شوند؛ اما تجربه نشان داده است که این مفاهیم زمانی ماندگار می شوند که دانش آموز فرصت زندگی کردن و تجربه کردن آنها را پیدا کند. یکی از چالش های آموزش در هنرستان ها، فاصله میان مفاهیم تخصصی و مسائل واقعی جامعه است. بسیاری از دانش آموزان مطالب درسی را فرا می گیرند اما ارتباط آن را با زندگی واقعی درک نمی کنند.

از سوی دیگر، شرایط بحرانی و جنگی می تواند موجب اضطراب، سردرگمی و احساس ناتوانی در نوجوانان شود. در چنین شرایطی این خطر وجود دارد که دانش آموز خود را صرفاً تماشاگر حوادث بداند و هیچ نقشی برای خود در حل مسائل جامعه متصور نباشد. و این برای ما مهم است که هنرجویان ما در چنین شرایطی در کدام طرف تاریخ بایستند.

در پی رخدادهای ناشی از جنگ و پرسش های شکل گرفته در ذهن هنرجویان، تلاش شد به جای ارائه پاسخ های آماده، یک موقعیت یادگیری واقعی طراحی شود؛ موقعیتی که در آن دانش آموزان بتوانند از دریچه تخصص خود، یعنی معماری، به مسائل جامعه نگاه کنند و برای آن راه حل ارائه دهند.

در این طرح، مفاهیم هویت ملی، مقاومت و مسئولیت اجتماعی نه به عنوان موضوعی جدا از آموزش، بلکه در بستر یک مسئله واقعی معماری و از طریق پژوهش، طراحی، مشارکت اجتماعی و تجربه عملی مورد توجه قرار گرفت. در روزهای پس از جنگ، دانش آموزان کلاس معماری داخلی، درباره احساسات، نگرانی ها و پرسش های خود گفت وگو می کردند. پرسش هایی درباره امنیت، پناهگاه ها، آینده و نقش افراد در شرایط بحرانی. به جای عبور از این دغدغه ها، تصمیم گرفتم از این موقعیت به عنوان یک فرصت یادگیری استفاده کنم؛ فرصتی برای پیوند دادن مفاهیم تخصصی رشته معماری با نیازهای واقعی جامعه و در عین حال تقویت هویت ملی، روحیه مقاومت و مسئولیت اجتماعی دانش آموزان.

مبانی تربیتی وآموزشی طرح

این تجربه بر سه اصل تربیتی استوار بود:

یادگیری مبتنی بر مسئله (PBL): فرایند یادگیری از یک مسئله واقعی آغاز شد؛ مسئله‌ای که خود دانش‌آموزان آن را مطرح کرده بودند.

یادگیری مبتنی بر موقعیت واقعی: موضوع جنگ و بحران صرفاً یک محتوای آموزشی نبود، بلکه بخشی از واقعیت زندگی دانش‌آموزان محسوب می‌شد و همین امر موجب معنادار شدن یادگیری شد.

یادگیری خدمت‌محور: دانش‌آموزان علاوه بر طراحی و پژوهش، فرصت یافتند در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت کرده و مسئولیت اجتماعی را تجربه کنند.

معرفی اجمالی طرح

پس از وقوع جنگ ۱۲ روزه و شکل‌گیری پرسش‌ها و دغدغه‌های دانش‌آموزان درباره امنیت، پناهگاه‌ها و نقش مردم در شرایط بحرانی، این موضوع به عنوان یک «موقعیت یادگیری واقعی» در کلاس معماری داخلی مورد استفاده قرار گرفت. هدف طرح، پیوند دادن مفاهیم تخصصی رشته معماری با موضوعات هویت ملی، تاب‌آوری اجتماعی، پدافند غیرعامل و مسئولیت اجتماعی بود.

در این طرح، هنرجویان ضمن آشنایی با مفاهیم پدافند غیرعامل و معماری بحران، به طراحی فضاهای اسکان موقت و خدماتی برای شرایط بحرانی پرداختند و همزمان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی مرتبط با حمایت از هویت ملی و میراث فرهنگی کشور مشارکت کردند.

در این فرایند، دانش‌آموزان ابتدا با مفاهیم پدافند غیرعامل و معماری بحران آشنا شدند، سپس با استفاده از آموخته‌های خود در درس مصالح‌شناسی، به مطالعه فناوری ابر خشت و معماری تاب‌آور پرداختند و در ادامه برای نیازهای یک منطقه بحران‌زده، فضاهای مورد نیاز را طراحی کردند.

خروجی‌های پروژه شامل:

- ۴ مقاله پژوهشی
- ۵ طرح معماری
- ۲ ماکت مفهومی

که همگی توسط دانش‌آموزان طراحی و اجرا شدند.

در ادامه و هم‌زمان با شرایط اجتماعی کشور، پروژه از فضای کلاس درس فراتر رفت و به بستری برای تجربه مسئولیت اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و کنش‌گری دانش‌آموزان تبدیل شد.

اهداف طرح

اهداف آموزشی

- آشنایی با مفاهیم پدافند غیرعامل در معماری.
- آشنایی با معماری بحران و اسکان اضطراری.
- شناخت مصالح مناسب برای ساخت سریع و کم هزینه.
- تقویت مهارت پژوهش و طراحی معماری.
- کاربردی‌سازی مباحث درس مصالح شناسی.

اهداف تربیتی

- تقویت روحیه امید و تاب‌آوری.
- تقویت هویت ملی و احساس تعلق اجتماعی.
- افزایش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به مسائل جامعه.
- پرورش روحیه مشارکت و کار گروهی.
- تبدیل دانش‌آموز از مخاطب منفعل به کنش‌گر اجتماعی.

اهداف هویتی

- تقویت هویت ملی
- افزایش حساسیت نسبت به میراث فرهنگی
- درک نقش اجتماعی معمار در خدمت به جامعه



چالش‌های تربیتی

در آغاز پروژه برخی دانش‌آموزان موضوع بحران و مسئولیت اجتماعی را صرفاً مسئله‌ای مربوط به نهادهای رسمی می‌دانستند و خود را در قبال آن دارای نقش نمی‌دانستند. فرآیند پروژه تلاش کرد

این نگاه را تغییر داده و دانش آموزان را از جایگاه مخاطب به جایگاه کنش گر منتقل کند.

برنامه اجرایی طرح

فرآیند اجرای طرح بر اساس چهار مرحله طراحی شد:

مرحله اول: شناسایی دغدغه واقعی دانش آموزان

پروژه با شنیدن پرسش ها و دغدغه های دانش آموزان آغاز شد. یکی از پرتکرارترین پرسش ها این بود: «چرا در کشور ما پناهگاه های عمومی وجود ندارد و در شرایط بحرانی چه باید کرد؟». به جای ارائه پاسخ مستقیم، این پرسش به عنوان نقطه آغاز یادگیری انتخاب شد.

مرحله دوم: تبدیل دغدغه به مسئله تخصصی

برای ورود به بحث، تصاویر ساختمان های مقاوم و آسیب دیده در اختیار دانش آموزان قرار گرفت و از آنان خواسته شد درباره ویژگی های هر یک اظهار نظر کنند.
سپس این پرسش مطرح شد: «اگر روزی افرادی در اثر جنگ، سیل یا زلزله سرپناه خود را از دست بدهند، یک معمار چه مسئولیتی در قبال آنان خواهد داشت؟»
این پرسش به مسئله محوری پروژه تبدیل شد و دانش آموزان را از سطح نگرانی و احساسات، به سطح تحلیل و حل مسئله هدایت کرد.

مرحله سوم: پژوهش، طراحی و تولید

دانش آموزان با تکیه بر آموخته های درس مصالح شناسی، به بررسی شیوه های ساخت سریع و مقاوم پرداختند. در این مرحله تحقیق درباره فناوری ابر خشت و دیدگاه های نادر خلیلی به آنان واگذار شد. پس از ارائه تحقیقات، هنرجویان نیازهای یک منطقه بحران زده را شناسایی کردند و برای فضاهایی نظیر:

- واحدهای اسکان موقت
- درمانگاه
- مهدکودک
- فضاهای خدماتی و پشتیبانی

سناریوی بهره برداری تدوین نمودند.

هر گروه متناسب با سناریوی خود اقدام به طراحی پلان، نگارش مستندات و ساخت ماکت کرد. در این مرحله دانش‌آموزان تجربه کردند که چگونه می‌توان از دانش تخصصی معماری برای پاسخ به یک نیاز واقعی جامعه استفاده کرد.





مرحله چهارم: تجربه کنش‌گری اجتماعی

هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی سوم، پروژه وارد مرحله‌ای فراتر از کلاس درس شد.

جلسات گفت‌وگو و هم‌اندیشی با دانش‌آموزان برگزار گردید تا آنان بتوانند نگرانی‌ها، پرسش‌ها و برداشت‌های خود را مطرح کنند.

در ادامه و پس از انتشار اخبار مربوط به تهدید آثار تاریخی کشور، موضوع حفاظت از میراث فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی مورد توجه قرار گرفت.

از دانش‌آموزان خواسته شد به عنوان هنرجوی معماری درباره نقش خود در این زمینه بیندیشند و راهکار ارائه دهند. چند روز بعد، دانش‌آموزان با ایده‌های خود بازگشتند. پیشنهاد برپایی موکب فرهنگی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی از سوی خود آنان مطرح شد.

در این مرحله برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای فعالیت‌ها عمدتا توسط دانش‌آموزان انجام شد و نقش من به هدایت، حمایت و تسهیل‌گری محدود گردید.

انتخاب موضوع ابرخشت و بررسی ویژگی های آن، در امتداد اهداف درس مصالح شناسی انجام شد و دانش آموزان آموخته های نظری خود درباره خواص مصالح را در یک مسئله واقعی به کار گرفتند.

از جمله خروجی های دانش آموزان می توان به طراحی واحد اسکان اضطراری خانوادگی، درمانگاه موقت، مهدکودک بحران و فضای خدماتی چند منظوره اشاره کرد که در ادامه تصاویر ان را خواهید دید.

این رخداد سبب شد پروژه از فضای کلاس فراتر برود و وارد عرصه واقعی زندگی اجتماعی دانش آموزان شود. در جلسات گفت وگو، دانش آموزان فرصت یافتند دغدغه ها، پرسش ها و ابهامات خود را مطرح کنند. هدف این جلسات ارائه پاسخ های آماده نبود؛ بلکه تقویت قدرت تفکر، تحلیل و پرسش گری بود. جلسات گفت وگو با دانش آموزان درباره اخبار، شایعات و روایت های مختلف برگزار شد. در این جلسات:

- احساسات، نگرانی ها و پرسشهای دانش آموزان شنیده شد.
- فضای گفت وگوی آزاد و پرسش گری فراهم گردید.
- دانش آموزان به تفکر درباره نقش خود در شرایط تاریخی کشور دعوت شدند.

پس از انتشار اخبار مربوط به تهدید آثار تاریخی کشور، موضوع حفاظت از میراث فرهنگی به عنوان یکی از عناصر هویت ملی مطرح شد. دانش آموزان پیشنهاد کردند به عنوان هنرجوی معماری در این زمینه فعالیتی اجتماعی انجام دهند. پس از چند روز مشورت و ایده پردازی، آنان با همکاری هنرجویان سایر رشته ها اقدام به راه اندازی یک موکب فرهنگی در تجمعات مردمی کردند.

ویژگی مهم این فعالیت آن بود که مسئولیت اصلی برنامه ریزی و اجرا بر عهده خود دانش آموزان قرار داشت و معلم صرفا نقش تسهیل گر و پشتیبان را ایفا می کردند.

گزارش اجرای پروژه در طول اجرای طرح، دانش آموزان از سطح بیان احساسات و نگرانی های فردی فراتر رفته و به مرحله تحلیل مسئله و ارائه راهکار رسیدند. آنان با بهره گیری از آموخته های درس مصالح شناسی و مبانی طراحی، برای شرایط بحرانی راه حل های معماری ارائه کردند.

در بخش اجتماعی نیز دانش آموزان با مشارکت داوطلبانه در فعالیت های فرهنگی، تجربه عملی مسئولیت پذیری اجتماعی را کسب کردند. بخش عمده برنامه ریزی و اجرای فعالیت ها توسط خود هنرجویان انجام شد و نقش معلم بیشتر در هدایت، تسهیل گری و حمایت بود.







شواهد اثربخشی

- افزایش مشارکت دانش‌آموزها در مباحث کلاسی
- ارائه ایده‌های خلاقانه برای حل مسائل اجتماعی
- مشارکت داوطلبانه در فعالیتهای فرهنگی
- افزایش احساس تعلق نسبت به جامعه و کشور
- شکل‌گیری نگرش مسئولانه نسبت به نقش حرفه‌ای آینده خود.

بسیاری از دانش‌آموزانی که در ابتدای مسیر صرفاً مخاطب اخبار بودند، در پایان طرح خود را دارای نقش و مسئولیت اجتماعی می‌دانستند.



بررسی نتایج و ره‌آوردها

حوزه آموزشی

- افزایش درک دانش‌آموزان از مفهوم پدافند غیرعامل در معماری.
- آشنایی با معماری بحران و اسکان اضطراری.
- تقویت مهارت پژوهش، طراحی و حل مسئله.
- کاربردی شدن مباحث درس مصالح‌شناسی.

حوزه تربیتی

- تقویت روحیه تاب‌آوری و امید در شرایط بحران.
- افزایش اعتماد به نفس و احساس اثرگذاری اجتماعی.
- تقویت روحیه همکاری و کارگروهی.
- ایجاد پیوند میان دانش تخصصی و مسئولیت اجتماعی.

حوزه هویتی

- افزایش حساسیت نسبت به هویت ملی و میراث فرهنگی.
- شکل‌گیری احساس تعلق بیشتر نسبت به جامعه و کشور.
- مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه.
- رشد نگرش مسئولانه نسبت به مسائل عمومی جامعه.

یافته‌های معلم

مهم‌ترین آموخته این تجربه برای من آن بود که **نوجوانان بیش از آنکه به شنیدن نیاز داشته باشند، به فرصت تجربه کردن نیاز دارند.** هر زمان که مسئله‌ای واقعی پیش روی آنان قرار گرفت و امکان مشارکت و تصمیم‌گیری پیدا کردند، مسئولانه‌تر از آنچه انتظار می‌رفت عمل کردند. این تجربه نشان داد نقش معلم در چنین موقعیت‌هایی بیش از آنکه انتقال‌دهنده پاسخ باشد، طراحی‌کننده موقعیت‌های یادگیری و تسهیل‌گر رشد دانش‌آموزان است. این تغییر در عمل نیز مشاهده شد؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان پس از طرح موضوع حفاظت از میراث فرهنگی، بدون پیشنهاد مستقیم معلمان، ایده برپایی موکب فرهنگی را مطرح کرده و مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای آن را بر عهده گرفتند.

اجرای این طرح چند یافته مهم را آشکار ساخت:

- دانش‌آموزان زمانی بیشترین مشارکت را نشان می‌دهند که مسئله یادگیری با دغدغه‌های واقعی زندگی آنان ارتباط داشته باشد.
- در حوزه هویت و تربیت، تجربه عملی اثر بخشی بیشتری نسبت به آموزش مستقیم دارد.
- واگذاری مسئولیت واقعی به دانش‌آموزان، حس تعلق و مسئولیت پذیری آنان را افزایش می‌دهد.
- گفت‌وگو و شنیدن دیدگاه‌های دانش‌آموزان، زمینه مشارکت عمیق‌تری نسبت به شیوه‌های دستوری ایجاد می‌کند.
- تلفیق آموزش تخصصی با مسائل اجتماعی موجب شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در هنرجویان می‌شود.

محدودیت‌های اجرایی

- محدودیت زمانی ناشی از شرایط خاص کشور.
- کمبود منابع آموزشی تخصصی در زمینه معماری بحران برای مقطع هنرستان.
- دشواری هماهنگی فعالیتهای اجتماعی خارج از مدرسه.
- تفاوت سطح آگاهی و نگرش دانش‌آموزان نسبت به موضوعات اجتماعی و ملی.
- همکاری بین رشته‌ای برای ساخت پروژه ابر خشت به دلیل مجازی شدن با محدودیت مواجه شد و اجرایی نشد

نقاط قوت، ضعف و پیشنهادها

نقاط قوت

- استفاده از یک مسئله واقعی و ملموس برای یادگیری.
- تلفیق آموزش تخصصی با اهداف تربیتی.
- مشارکت فعال دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری و اجرا.
- تبدیل کلاس درس به محیط گفت‌وگو، تفکر و کنش‌گری.
- ایجاد تجربه عملی مسئولیت اجتماعی.

نقاط ضعف

- مجازی بودن کلاس ها.
- نبود امکانات کافی برای توسعه نمونه های اجرایی طراحی شده.
- دشواری مستندسازی کامل همه فعالیت ها.

قابلیت تعمیم

الگوی این طرح مبتنی بر چهار گام اصلی است:
۱.شناسایی دغدغه واقعی دانش آموزان
۲.تبدیل دغدغه به مسئله تخصصی
۳.تولید راه حل و محصول آموزشی
۴.تجربه کنش گری اجتماعی
این الگو قابلیت اجرا در سایر رشته های فنی و حرفه ای و حتی شاخه های نظری را نیز دارد. اصل بنیادین این الگو، تبدیل یک دغدغه واقعی دانش آموزان به مسئله ای تخصصی در حوزه رشته تحصیلی و سپس هدایت آنان به سمت ارائه راه حل و کنشگری اجتماعی است. این رویکرد می تواند در رشته های مختلف با موضوعات و مسائل متناسب با همان حوزه به کار گرفته شود.

پیشنهادهایی برای طرح های مشابه

- طراحی پروژه های میان رشته ای با مشارکت سایر رشته های هنرستان.
- دعوت از متخصصان حوزه مدیریت بحران و پدافند غیرعامل.
- برگزاری نمایشگاه آثار و ماکت های دانش آموزان.
- تداوم فعالیت های مسئولیت اجتماعی دانش آموزان در قالب پویش ها و پروژه های محلی.

جمع بندی

در این طرح دانش آموزان درباره هویت ملی، مسئولیت اجتماعی و مقاومت آموزش ندیدند؛ بلکه شرایطی فراهم شد تا این مفاهیم را در فرایند حل یک مسئله واقعی تجربه کنند.
مهمترین دستاورد این تجربه آن بود که دانش آموزان مفاهیمی همچون هویت ملی، روحیه مقاومت و مسئولیت اجتماعی را صرفا نشنیدند، بلکه آنها را در عمل تجربه کردند.

هنرجویان در جریان طراحی فضاهای بحران، پژوهش درباره معماری تاب‌آور، مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و حضور داوطلبانه در برنامه‌های فرهنگی، دریافتند که یک معمار تنها طراح ساختمان نیست؛ بلکه می‌تواند در حل مسائل جامعه و حمایت از انسان‌ها نقش‌آفرین باشد.

این تجربه نشان داد که اثر بخش‌ترین شیوه هویت بخشی به نسل نوجوان، انتقال مستقیم مفاهیم نیست؛ بلکه ایجاد فرصتهایی است که دانش‌آموز بتواند در آنها بیندیشد، انتخاب کند، مسئولیت بپذیرد و به عنوان یک کنش‌گر اجتماعی رشد یابد. در چنین فرایندی، هویت، مقاومت و مسئولیت اجتماعی نه به صورت شعاری، بلکه به صورت تجربه‌های زیسته و ماندگار شکل می‌گیرد.



